

حجت الاسلام والمسلمین مطیعی نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه سمنان در خطبه‌های نماز جمعه سمنان (۷ آذر ۱۴۰۴):

«مُخَبَّتِین» در برابر خداوند خاشع و در مصیبت‌ها صبورند، نماز را برپا می‌دارند و در راه خدا اتفاق می‌کنند/ مادران و همسران شهدای انقلاب اسلامی به حضرت ام‌البنین (س) تأسی کرده‌اند/ «بسیج» منحصر به یک مقطع خاص نیست و نسل به نسل ادامه خواهد داشت/ هرکس با ایمان، غیرت و امید در حال کار و فعالیت است بسیجی محسوب می‌شود/ آمریکا و رژیم صهیونیستی منفورترین دولت‌ها در جهان هستند/ برخی مذاکره با آمریکا را افتخار می‌دانند!/ چرا عده‌ای حرفی می‌زنند که دشمن را شاد و برای نظام هزینه ایجاد می‌کند؟/ هرکس به آمریکا اعتماد کرده، سیلی خورده است، نمونه آن: اوکراین/ حمایت از رئیس‌جمهور و دولت چهاردهم، وظیفه‌ای شرعی، عقلی و انقلابی است/ با «صرفه‌جویی» می‌توان به رشد اقتصاد کشور کمک کرد/ نمایندگان مجلس از «شهید مدرس» الگو بگیرند/ از طرح مجلس برای نظارت بر قانون برنامه هفتم توسعه تشکر می‌کنم/ شهید دریادار «محمدابراهیم همتی» افتخار استان سمنان است

شما عزیزان نمازگزار، برادران و خواهران گرامی و خودم را به رعایت تقوا توصیه می‌کنم. از خداوند می‌خواهم که همه ما در تمام شئون زندگی، چه در تعامل با دیگران، چه در امور شخصی و چه در مسئولیت‌هایی که بر عهده داریم و آنچه به انجام یا ترک آنها منتهی می‌شود موفق بدارد تا تقوای الهی را رعایت کنیم.

خداوند در سوره مبارکه حج، آیات ۳۴ و ۳۵، در پایان آیه ۳۴ می‌فرماید: «وَبَشِّرِ الْمُخَبَّتِینَ، الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ، وَالصَّابِرِینَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ، وَالْمُقِیمِی الصَّلَاةِ، وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» در آیات قبل و همین آیه، سخن از حج خانه خدا و قربانی کردن است؛ خداوند کسانی را که به حج می‌روند با ویژگی‌هایی مانند «مخبت بودن» توصیف می‌کند.

کسانی که وظیفه‌شان رفتن به حج است، زمانی که استطاعت چهارگانه پیدا می‌کنند، که یکی از آنها استطاعت مالی است—باید این فریضه را انجام دهند. اگر استطاعت داشته باشند، یک بار حج بر آنان واجب می‌شود. باید هزینه بدهند، وقت بگذارند، زحمت و سختی را تحمل کنند تا حج را بعنوان وظیفه دینی خود انجام دهند؛ و هیچ چیز دیگری جای آن را پر نمی‌کند.

خداوند این افراد را از گروه «مُخَبَّتِین» معرفی می‌کند و برای «مخبتین» چهار ویژگی ذکر می‌فرماید؛ دو ویژگی بیشتر جنبه ظاهری و جسمانی دارد و دو ویژگی جنبه روحی و روانی و مرتبط با روح انسانی.

خداوند به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید به «مُخَبَّتِينَ» بشارت دهد. اگر ما این صفات را داشته باشیم، ما نیز از جمله مُخَبَّتِينَ یعنی متواضعان درگاه الهی خواهیم بود؛ یعنی کسانی که در برابر اوامر الهی فرمان‌برند.

ویژگی اول: «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» کسانی که وقتی نام خدا برده می‌شود، قلب و دل‌هایشان می‌لرزد. «وَجَلَّ» یعنی خوف و خشیتی که در دل ایجاد می‌شود. البته نه به این معنا که از غضب الهی بترسند یا از رحمت الهی مأیوس باشند؛ بلکه به این خاطر که مسئولیت‌های زندگی، اعم از مسئولیت‌های شخصی یا اجتماعی بر دوششان بوده و اگر در انجام آنها کوتاهی کرده باشند، عظمت الهی در دلشان خشیت ایجاد می‌کند. مانند مؤمنانی که دلشان از این می‌لرزد که وظیفه بندگی را تا چه اندازه درست انجام داده‌اند یا چقدر کوتاهی کرده‌اند. این خوف و خشیت، ویژگی نخست است!

صفت دوم مُخَبَّتِينَ: صبر در برابر مصائب و حوادث و گرفتاری‌ها

آنان که در برابر حوادث دردناک زندگی، در برابر مصیبت‌ها، کمبودها، نداری‌ها و گرفتاری‌ها صبر و شکیبایی پیشه می‌کنند. در برابر هر مصیبت سنگینی که بر آنان وارد شود، زانو نمی‌زنند، عقب‌نشینی نمی‌کنند، مأیوس نمی‌شوند و خدای ناکرده دچار کفران نمی‌گردند؛ بلکه ایستادگی می‌کنند! البته معنای صبر این نیست که دست روی دست بگذارند و برای رفع موانع تلاش نکنند؛ بلکه با تدبیر، صبر و استقامت در پی حل مشکلات برمی‌آیند بدون اینکه جزع و فزع کنند! گاهی دشمنانی نظیر صهیونیست‌ها، فرماندهان رده‌بالای آنها را به شهادت می‌رسانند، دانشمندان را ترور می‌کنند و یا قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود و معیشت سخت می‌گردد.

اینها مصیبت‌هایی است که بر مُخَبَّتِينَ وارد می‌شود. مؤمن صابر وقتی می‌رود بازار و می‌بیند قیمت‌ها تغییر کرده یا کالاها احتکار شده، باز هم صبر می‌کند و زانوی غم نمی‌زند. همین‌الآن هم ائمه جمعه نسبت به نظارت صحیح دغدغه دارند! نظارت باید باشد، و البته کسبه نیز باید انصاف داشته باشند. بخشی از اصلاح امور به خود ما نیز برمی‌گردد. اما به‌هرحال، آنچه در آیه شریفه آمده این است که مؤمنان و مُخَبَّتِينَ در برابر مصیبت‌های روزگار — چه مالی، چه جانی — صبر می‌کنند و تسلیم نمی‌شوند.

صفت سوم و چهارم مُخَبَّتِينَ: اقامه نماز و انفاق

این افراد از یک سو ارتباطشان با خدا محکم است، چون نماز را به پا می‌دارند؛ و از سوی دیگر رابطه‌شان با مردم به‌ویژه نیازمندان قوی است، زیرا خداوند می‌فرماید «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» یعنی از آنچه ما به آنان روزی داده‌ایم

انفاق می‌کنند. نه اینکه مال خودشان باشد و ببخشند؛ بلکه در بیش از دوازده یا سیزده آیه قرآن آمده که خداوند تأکید می‌کند «از آنچه ما روزی آنها کرده‌ایم انفاق می‌کنند» یعنی اینان مجرای فیض الهی شده‌اند. مال، مال خداست اما آنان توفیق پیدا کرده‌اند که از این مال در مسیر الهی و برای نیازمندان، بیچارگان، تهیه جهیزیه، مواسات و مانند آن هزینه کنند. اصل مال برای خداست و مؤمن انفاق کننده، پاداش می‌برد.

علامه طباطبایی (ره) در بیان معنای «مخبت» می‌فرماید: مخبت یعنی کسی که تسلیم و فروتنی کامل دارد. ایشان مثالی می‌زند: پشت شتر زخم‌هایی ایجاد می‌شود که صاحب شتر به آن دسترسی ندارد و متوجه آن نیست، در حالیکه شتر نیز به شدت رنج می‌برد. در این هنگام خداوند پرندگانی را مأمور می‌کند که روی زخم‌های شتر بنشینند و حشرات آزاردهنده را بخورند. شتر از شدت درد تکان نمی‌خورد و کاملاً آرام و تسلیم می‌ماند تا مشکلش حل شود، عرب به این حالت شتر «اخبات» می‌گوید. یعنی نهایت تسلیم و آرامش در برابر اراده خدا.

درجات بندگی و تسلیم در برابر خدا با همین چهار ویژگی شناخته می‌شود «الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ»، «الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ»، «وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ»، «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ».

ان شاء الله همه ما از جمله مخبتین باشیم. [پایان خطبه اول]

سیزدهم جمادی الثانی (روز پنجشنبه) سالروز وفات حضرت ام‌البنین (س) است؛ روزی که به عنوان «روز تکریم همسران و مادران شهدا» نام گرفته و این نام‌گذاری بسیار مناسب است.

حضرت ام‌البنین (س) هم همسر شهید و هم مادر چهار شهید است؛ و این خود نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص این بانوی بزرگ اسلام است. اگر در زندگی ایشان دقت کنیم، جایگاه ویژه ایشان در تاریخ اسلام آشکار می‌شود.

در کشور ما خانواده‌هایی هستند که یک فرزند شهید دارند، برخی دو فرزند، برخی سه فرزند، و تعداد اندکی چهار فرزند؛ اما بسیار نادر است که چهار فرزند یک مادر در یک زمان و در یک روز شهید شوند! اینکه خبری مانند شهادت چهار فرزند را یکباره به مادری بدهند، واقعاً عظمت حضرت ام‌البنین (س) را نشان می‌دهد. برخی از این شهدا به‌ویژه حضرت عباس (ع) به شکلی به شهادت رسیدند که اعضای بدنشان، مخصوصاً سر مبارکشان، آسیب‌های فراوانی دید. و این از ویژگی‌های مصیبت‌بار شهادت فرزندان حضرت ام‌البنین (س) است. معمولاً مادران شهدا اگر چند فرزند دارند، پس از شهادت برخی، هنوز فرزندان برای دلخوشی‌شان باقی می‌ماند؛ اما حضرت ام‌البنین (س)

فقط چهار پسر داشت و همان چهار نفر هم همگی شهید شدند. بی‌جهت نبود که وقتی به قبرستان بقیع می‌رفت، چهار صورت قبر می‌ساخت و می‌نشست و برای هر یک از فرزندان —عباس، عبدالله و دیگران— عزاداری می‌کرد. به عباس که می‌رسید، اشعار و مرثیه‌خوانی او چنان سوزناک می‌شد که حتی مروان نانجیب با آن قساوت، وقتی به آن بخش می‌رسید، از مرکب پیاده می‌شد و گریه می‌کرد.

بسیاری از اشعاری که از ایشان نقل شده، حالت توسلی دارد. خیلی از گرفتاری‌ها با توسل به حضرت ام‌البنین (س) مادر قمر بنی‌هاشم (ع) برطرف می‌شود. امیدواریم مشکلات همه مؤمنین و مؤمنات برطرف شود و بیماران شفا بگیرند ان شاءالله.

حضرت ام‌البنین (س) در مرثیه عباس (ع) می‌فرمود: در کربلا عمود آهن را به سرت زدند، من باور نکردم. با خود گفتم: پسر من که بازوی حیدر است، چه کسی جرئت می‌کند به او نزدیک شود و عمود آهن بر سرش بزند؟! بعد خودش پاسخ می‌داد: به من گفته‌اند اول دست‌هایش را زدند، سپس عمود آهن به فرق مبارک قمر بنی‌هاشم (س) فرود آمد. کسی که بر اسب نشسته، اگر بخواهد به زمین بیفتد یا مجبور به افتادن شود، اولین چیزی که دیده می‌شود این است که از دستان خود استفاده می‌کند اما چون دستان مبارک آن حضرت قطع شده بود و تیر تمام بدن ایشان را فراگرفته بود، معلوم است چگونه باید به زمین افتاده باشد. لعنت خدا بر قوم ظالم!

مادران بزرگوار شهدا و همسران آنان که به این بانوی بزرگوار حضرت ام‌البنین (س) اقتدا کردند و از فرزندان و همسرانشان در راه خدا و انقلاب گذشتند، حقیقتاً شایسته تکریم و تجلیل هستند. ما وظیفه داریم روز وفات حضرت ام‌البنین (س) ۱۳ جمادی‌الثانی را روز تکریم خانواده‌های شهدا بدانیم و تجلیل از آنان را وظیفه خود بشماریم. تجلیل از خانواده شهدا، در حقیقت تجلیل از خود شهدا است.

دیشب پیام مقام معظم رهبری پخش شد. هرچند پیام کوتاه بود، اما نکات بسیار مهمی داشت. بسیاری از مردم آن را شنیدند یا متن آن را خواندند. بخش قابل توجهی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های ایشان، درباره اهمیت و جایگاه بسیج بود که هفته بسیج و روز پنجم آذر را پشت سر گذاشتیم و در مجالس مربوط به آن شرکت کردیم.

مقام معظم رهبری تأکید داشتند که بسیج برای یک مقطع خاص زمانی نیست و باید در تمام نسل‌ها ادامه یابد و زنده بماند و به عنوان عنصر مقاومت در برابر طمع‌ورزی دشمنان پایدار باشد.

بسیج در ایران اسلامی تشکیل شد و مردم نیز بهره‌مندی‌های زیادی از آن داشته‌اند؛ در بحران‌ها، در مشکلات، در امور نظامی، علمی، تولیدی و اقتصادی. هر جا بسیج بوده، کار درست پیش رفته است. امام راحل (ره) نیز بسیج را

برای جهان اسلام و بلکه جهان بشریت بنیان گذاشت. امروز هم اگر در کشورهای مختلف گروه‌هایی در برابر ظلم ایستاده‌اند، به نوعی بسیجی هستند و آغاز این جریان جهانی از ایران اسلامی رقم خورده است.

ما نباید بسیج را فقط به تعداد اعضای سازمان بسیج محدود کنیم. همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند هر کس با ایمان، با غیرت، با امید، وظیفه خود را درست انجام دهد، در حقیقت کار بسیجی را انجام می‌دهد.

ایشان بارها تأکید کرده‌اند که همه مسئولان باید با فکر و روحیه بسیجی عمل کنند.

مقام معظم رهبری پس از بحث بسیج، درباره جنگ ۱۲ روزه نیز مطالبی بیان فرمودند. نیاز است که جامعه اسلامی این دوره را بازخوانی کند؛ زیرا نتایج بسیار مهمی داشته است. شکست مفتضحانه رژیم صهیونیستی و آمریکا در همین چند روز آشکار شد و انسجام، وحدت و اتحاد ملی مردم ما نقش بسیار مهمی در آن داشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز تأکید کردند که این انسجام و اتحاد باید حفظ شود.

ایشان همچنین فرمودند امروز آمریکا و رژیم صهیونیستی منفورترین دولت‌ها در جهان‌اند. دخالت‌های مخرب آمریکا و اسرائیل غاصب در لبنان، سوریه، آمریکای لاتین و دیگر کشورها، باعث بی‌آبرویی آنها شده است.

کارشناسان خود رژیم صهیونیستی نیز اعتراف کرده‌اند که در جنگ دوازده روزه اخیر، شکست سختی بر آنان وارد شده است. وقتی دشمن اعتراف می‌کند، ما بهتر می‌فهمیم آنچه مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند واقعیت خارجی دارد و برای ملموس تر می‌شود.

در چنین شرایطی، مذاکره با کشوری که اهلیت، شایستگی و لیاقت همراهی ندارد بی معنا است. متأسفانه برخی تصور می‌کنند گفتگو با دشمن یک افتخار است. انسان نمی‌داند برخی از گفتارهای افرادی که انتظار می‌رود با تأمل و تفکر و اطلاعات بیشتری سخن بگویند چرا اینگونه است؟ شایعه ارسال پیام از طریق فلان کشور به ترامپ برای گفتگو و آغاز مذاکره! این موضوع چیزی بود که مقام معظم رهبری فرمودند این‌ها دروغ محض است! خیلی زشت است برای یک نفر که حرفی بزند که رهبر نظام جمهوری اسلامی بیاید آن را تکذیب کند! هم برای دولت هزینه ایجاد کرد، هم وزارت خارجه مجبور شد اطلاعیه ای بدهد و هم مقام معظم رهبری. مگر انسان مجبور است حرف‌هایی بزند که دشمن شادکن باشد و برای نظام اسلامی هزینه ایجاد کند؟!

مقام معظم رهبری سپس چهار توصیه بسیار مهم داشتند که فصل الخطاب مباحث اجتماعی و سیاسی ما است:

۱- با وجود اختلاف نظرها، لازم است در برابر دشمن برای اقتدار نظام و کشور متحد باشیم.

دعواهای داخلی را به میدان مقابله با دشمن نکشانیم.

۲- حمایت از رئیس جمهور محترم و دولت خدمتگزار امری لازم است.

ایشان در جلسات خصوصی و عمومی فرمودند کار دولت، بسیار سنگین است. امکانات محدود است، هجمه دشمن سنگین است اما در عین حال پروژه‌های بزرگی در جریان است.

مقام معظم رهبری فرمودند کارهای خوبی انجام شده و حتی اقدامات دولت شهید ریسی ادامه دارد. در چنین شرایطی وظیفه شرعی و عقلی و انقلابی ما، علاوه بر تأکید مقام معظم رهبری، حمایت از دولت چهاردهم جمهوری اسلامی است.

۳- اجتناب از اسراف

در آب، نان، انرژی و ارزاق عمومی باید صرفه جویی کنیم. شاید ما تولیدکننده نباشیم، اما با صرفه جویی می توانیم به تولیدکنندگان و اقتصاد ملی کمک کنیم. مشکلات ناترازی برق را دیدید؛ اگر همه رعایت کنیم، وضعیت قطعاً بهتر می شود.

۴- هرکس مسئولیت بیشتری دارد، باید ارتباط بیشتری با خدا داشته باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به همگان فرمودند: ارتباط با خدا، مناجات، تضرع و درخواست خاضعانه از خدا، لازمه کار است. خداوند بی نیاز مطلق است و ما باید دست نیاز به سوی او بلند نگه داریم.

همینجا دعا می‌کنیم:

خدایا، فرج حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه را نزدیک بفرما!

مشکلات دولت اسلامی را برطرف کن!

به مسئولان توفیق خدمت بیشتر به مردم عطا کن و رفاه نسبی را برای مردم فراهم بفرما!

نکته دیگری که شما هم به آن توجه دارید و خود ما نیز بارها تذکر داده‌ایم و با اینکه بیشتر خطابش متوجه کسانی است که قلم در دست دارند و خود را صاحب فکر و تحلیل می‌دانند، اما گفتنش برای همگان خالی از لطف نیست — این است که هر کس به آمریکا تکیه و اعتماد کرده، سیلی خورده است!

در تاریخ خودمان نمونه روشن آن را در کودتای ۲۸ مرداد می‌بینیم. بررسی کنیم که در ایران آنروز چه اتفاقی رخ داد؟ دکتر مصدق، با آنکه یک فرد مذهبی صرف نبود، اما به آمریکا اعتماد کرد؛ با آن‌ها صحبت کرد، جلسه گذاشت؛ اما نتیجه چه شد؟ آمریکا ۲۵ سال یک دیکتاتور را بر ایران حاکم کرد!

نمونه امروز این ماجرا نیز مسأله اوکراین است. اوکراین سومین کشور هسته‌ای دنیا بود و حدود ۱۸۰۰ کلاهک هسته‌ای داشت. با وعده‌هایی که اروپا، آمریکا و حتی روسیه به آن‌ها دادند، کلاهک‌ها را تحویل داد و تنها دانش هسته‌ای برایش باقی ماند. از همان‌جا ماجرا شروع شد؛ کم‌کم ناتو در مرزهای اوکراین و روسیه پایگاه‌هایی ایجاد کرد و این سرآغاز جنگ میان روسیه و غرب بود! غربی‌ها به اوکراین وعده و وعید دادند که «شما جلو باشید، پشت سرتان هستیم، حمایت می‌کنیم» و نتیجه چه شد؟ اوکراین را عملاً به میدان جنگ فرستادند، ده‌ها هزار جوان این کشور کشته شدند، و امروز که امروز است، چنانکه حضرت آقا اشاره فرمودند ترامپ طرحی ۲۸ ماده‌ای ارائه کرده که اوکراین «مجبور» به پذیرش آن است؛ طرحی که چیزی جز تحقیر و تمسخر زلنسکی و مردم اوکراین در آن دیده نمی‌شود!

در این طرح آمده که بخش‌هایی از اوکراین که اکنون در اشغال روسیه است، حدود یک‌چهارم کشور و چند شهر بزرگ، همگی باید به روسیه ملحق شود! یاد شهدای ما گرامی باد که اجازه ندادند حتی یک وجب، بلکه یک سانتیمتر از خاک ایران عزیزمان جدا شود چراکه اعتمادی به ابرقدرتها نداشتیم، به مردم و بسیجیان و خانواده‌های شهدا افتخار می‌کنیم)

هم‌چنین اوکراین به هیچ‌وجه حق عضویت در ناتو نخواهد داشت. این در حالی بود که اساساً وعده عضویت در ناتو یکی از دلایلی بود که اوکراین را به این مسیر کشاند. ارتش اوکراین نیز باید محدودیت‌های شدید نظامی را متحمل شود، ظرف یک‌مقد روز انتخابات برگزار کنند؛ حتی حضور ریاست‌جمهوری بیچاره فعلی نیز ادامه پیدا نمی‌کند.

انتخابات پارلمانی هم باید برگزار شود. این همان چیزی است که در آن ۲۸ ماده به اوکراین تحمیل شده و امروز متحدها غربی که وعده حمایت داده بودند، این کشور و رئیس‌جمهور بدبختش را با تحقیر تنها گذاشته‌اند. اگر علت را پرسید روشن است: «اعتماد به آمریکا و غرب» هرکس به آمریکا اعتماد کرده، سیلی خورده است!

ما نمی‌دانیم چرا برخی اصرار دارند تجربه روشن و تکرارشونده بی‌اعتمادی به آمریکا را نادیده بگیرند. درحالی‌که امام‌جامعه مسلمین تصریح می‌فرمایند این اعتماد هیچ فایده‌ای ندارد و کارها باید طبق روال قانونی، پروتکل‌ها و شیوه‌نامه‌های رسمی پیش برود. اما باز می‌بینیم که عده‌ای اصرار می‌کنند «این کار را نکنید، آن موضع را نگیرید، آن حرف را نزنید» چه اصراری وجود دارد؟! حتی گاهی به آقای عراقچی وزیر امور خارجه می‌گویند «چرا خودت اعمال‌نظر نمی‌کنی؟ چرا حرف فرمانده کل قوا یا شورای امنیت ملی را تکرار می‌کنی؟ پس تو چه کاره‌ای؟» در حالی که وزیر خارجه اختیار شخصی مستقلی ندارد؛ او مجری سیاست‌های کلان نظام است. رهبر معظم انقلاب فرمودند: آمریکا شایستگی برقراری ارتباط را ندارد چون تجربه نشان داده هرگاه به او اعتماد شده، در پی جنایت، غارت و چپاول بوده است.

مگر ما در حال مذاکره نبودیم؟ در همان حال مذاکره، آمریکا با همکاری رژیم غاصب صهیونیستی فرماندهان ما را ترور کرد؛ دانشمندان ما را هدف قرار داد! ما ناراحت و متأسفیم و غصه می‌خوریم که چرا بعضی نمی‌خواهند بفهمند، یا شاید واقعاً دارند پازل دشمن را تکمیل می‌کنند! حرف دشمن نمی‌تواند در کشور ما به کرسی بنشیند؛ اما برخی همان را دنبال می‌کنند! ما هم دعا می‌کنیم خداوند هدایتشان کند، و هم تأسف می‌خوریم که افرادی که خود را فرهیخته می‌دانند، این‌گونه برای نظام هزینه درست می‌کنند!

روز مجلس را پیش رو داریم؛ دهم آذر، سالروز شهادت حضرت آیت‌الله مدرس(ره) است. شخصیتی با جایگاه برجسته در مبارزه با استبداد که در سال ۱۳۰۵ مورد ترور نافرجام قرار گرفت و پس از آنکه هفت سال در خوف و دو سال در کاشمر تبعید بود، به وسیله مأموران جرثومه فساد و ملعون دوران، یعنی رضاخان قلدر به شهادت رسید. قبرش هم چهار سال مخفی بود. اما این مرد بزرگ، بی‌آنکه یآوری در مجلس داشته باشد، یک‌تنه مقابل استبداد و استعمار ایستاد.

امروز هم نمایندگان ما الحمدلله در مسیر خدمت‌اند و امیدواریم الگوگیری از شخصیت‌هایی مانند مدرس را ادامه دهند: انسانی خدوم، آزاده، شجاع، انقلابی، نترس و غیرمرعوب دشمن؛ کسی که نه تحت تأثیر تهدید قرار می‌گرفت و نه مجذوب تطمیع.

همینجا از مجلس تشکر می‌کنیم که کاری ابتکاری و بی‌سابقه انجام داد؛ کاری که در ۴۵ سال گذشته نظیرش رخ نداده بود. برای نخستین بار، جنبه نظارتی مجلس بر قانون برنامه هفتم فعال شد. سال اول این برنامه، نظارتی نبود و دولت‌ها کارهایی انجام دادند خدا را شکر اما اکنون دولت موظف شده در مجلس پاسخگو باشد. این امر به پیشرفت

کار دولت نیز کمک می‌کند. مجلس کنونی، بدون تنش‌زایی و با همکاری و وفاق که دستور و توصیه مؤکد رهبر معظم انقلاب است این نظارت دقیق را اعمال کرد تا اجرای برنامه هفتم در سال‌های آینده بهتر پیش برود.

در گذشته نیز مجلس شورای اسلامی کارهای بزرگی انجام داده است؛ از جمله در سال ۱۳۹۹ «قانون اقدام راهبردی» را تصویب کرد که در مذاکرات هسته‌ای دست دولت را پر کرد؛ برای رفع تحریم‌ها و موارد مشابه. امیدواریم خداوند همه مسئولان نظام اسلامی را حفظ کند و تلاش نمایندگان برای همکاری با دولت به نتیجه برسد، به‌ویژه در مسائل اقتصادی.

امیدواریم که این غصه همگانی یعنی مسئله معیشت مردم نیز با همکاری دولت و مجلس برطرف شود. از مجلس شورای اسلامی انتظار می‌رود اگر نیاز به وضع قانون جدید است، انجام دهد؛ اگر باید نظارت مؤثرتری باشد، اعمال کند؛ و اگر لازم است ابتکار عملی تازه ارائه شود تا فشار معیشتی از دوش مردم برداشته شود تا جلوی گرانی‌های سرسام‌آوری که واقعاً در برخی موارد اجحاف به حال مردم است، گرفته شود. امیدواریم برنامه‌ای روشن از مجلس ببینیم تا مردم بیش‌ازپیش امیدوار شوند.

لازم است به روز هفتم آذر اشاره کنم؛ روز نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران. برادر عزیزمان ناخدا یکم رضایی که از افتخارات استان سمنان نیز هستند در سخنرانی خود به عملیات بزرگ «مروارید» اشاره کردند. این عملیات در هفتم آذر ۱۳۵۹ (که اصل عملیات روز ششم انجام شد) و با فرماندهی شهید والامقام، ناخدا محمدابراهیم همتی، انجام شد. این عملیات مشترک بین نیروی دریایی و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی بود و در آن دو سکوی مهم نفتی عراق «البکر» و «الامیه» که در دوران جنگ نقش اصلی در صادرات نفت عراق داشتند، منهدم شد. این اقدام راهبردی باعث شد رژیم بعث عراق عملاً پس از آن نتواند صادرات نفت از خلیج فارس داشته باشد و ضربه بسیار سنگینی بر بدنه اقتصادی آنها وارد شد.

برادر عزیزمان، آقای ناصر حامدی از شاعران ارزشمند استان سمنان، شعری طولانی و زیبا درباره این عملیات و شخصیت شهید محمد ابراهیم همتی سروده‌اند که ما به وجودشان افتخار می‌کنیم. همان‌گونه که ناخدا یکم «رضایی» فرمودند، اگر بخواهیم پنج شهید برجسته ارتش را در کشور نام ببریم، یکی از آن‌ها دریادار محمدابراهیم همتی است؛ این مایه افتخار استان و شهر ما است.

بله همه شهدا عزیزند، اما این افتخار بزرگی است که نصیب مردم استان و شهرستان ما شده است.

اکنون قسمتی از این شعر را به‌عنوان ادای احترام به روح بلند شهید محمد ابراهیم همتی تقدیم می‌کنم:

شب آمد که بر ما شبیخون زند

بتازد به دشت و به هامون زند

شب آمد، ولی جملگی جان شدیم

همه گردِ خورشیدِ ایمان شدیم

به خود گفته بودیم اگرچه کمیم

ز نسل جهان پهلوان رستمیم

به خود گفته بودیم با یاد حق

بگیریم از جانِ دشمن رمق

یکی داشت سمنان، یلی بی هراس

دلیری جوانمرد، دشمن شناس

یلی داشت دریادل و با صفا

وجودش پر از غیرت کربلا

چه آزاده مردی، چه با غیرتی

یل پاک و دانا و پُرهمتّی

صدایش صدای یکی شر ز شیر

دلش موج دریا، دلش بی نظیر

به دریا بزن ناخدای جوان
که تا بشکنی دست بیگانگان

به دریا بزن دل به امر ولی
بگو یا محمد بگو یا علی

دریغ است ایران که ویران شود
گُنام پلنگان و شیران شود

در آن روز، شیرانِ دریا نشان
پس از رزم جانانه و بی‌امان

دچار کمین شُغالان شدند
به خوان خداوند، مهمان شدند

سی‌وشش پرنده، سی‌وشش شهید
از آن آب تا آسمان پر کشید

به یاد شهیدانِ این بوم کیش
وطن باید اینک ببالد به خویش

ببالد به فرّ و شکوفایی اش

ببالد به نیروی دریایی اش

وطن! چشم بد از تنت دور باد

دل دشمنت خوار و رنجور باد...

از شاعر بزرگوار، جناب آقای ناصر حامدی که استاد شعر و ادبیات فارسی هستند و حتی نزد مقام معظم رهبری نیز شعر خوانده‌اند تشکر می‌کنیم. یاد و خاطره همه شهیدان، به‌ویژه سه‌هزار شهید استان عزیزمان، گرامی باد. در پایان، صلواتی نثار ارواح طیبه همه شهدا به‌خصوص شهید محمدابراهیم همتی بفرمایید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته.